

با فرصت طلایی رسانه‌ای چه کردیم؟



مریم فضائلی خبرنگار گروه فرهنگ

اخبار، اعلام کرده که طی چند روز آینده اینترنت‌ها به صورت کامل متصل می‌شود. سوت تشدید روایتگری در چند روز آینده آغاز خواهد شد. رسانه‌های خارجی که سو به‌ها و اشکال روایتگری‌شان را در میانه برنامه‌های خبری شرح و بسط داده‌اند، طراحی‌های جدیدی برای هفته‌های آتی در دست دارند. حالا سؤال می‌شود روایت‌های داخلی به چه نقاظی خواهد رسید؟ آیا مستندات پرابهام رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین در نبود روایتگری دقیق به دست مخاطبان می‌رسد؟ و اصلاً یک سؤال کلی‌تر؛ واکنش رسانه‌های داخلی ما به اتفاقات ۱۸ دی تاکنون چطور بوده است؟ ما طی چند روز آتی شاهد چه مجموعه اتفاقات رسانه‌ای خواهیم بود؟ آیا به گزارش‌های خبری انکا می‌کنیم؟ آیا وارد مستندسازی و ساخت تولیدات داستانی خواهیم شد؟ اگر روایتگری‌مان شبیه به ۱۴۰۱ و ۱۳۹۸ باشد، به نتیجه‌ای می‌رسیم؟ حالا فرصت آن است که گفت‌وگو درباره آینده روایتگری‌ها پدید بیاید. به همین دلیل «فرهیختگان» گفت‌وگو با پژوهشگران حوزه رسانه را در این شماره خود داشته است. پژوهشگرانی که حالا مسئله نقش رسانه‌های داخلی و صداوسیما را به میان بحث‌هایشان کشیده‌اند. رسانه‌هایی که حالا باید دید مرجعیت خبری و رسانه‌ای خود را در روزهای آتی چطور بازتعریف خواهند کرد. در کنار این موضوع، رسانه‌های داخلی نیز در مدت ده روز قطعی اینترنت بازوهای اطلاع‌رسانی‌شان گرفته شده بود و دست‌هایشان از روایتگری دور مانده بود. این موضوع از اساس کار رسانه‌های داخلی را برای ایجاد پیوست رسانه‌ای برای اتفاقات سخت خواهد کرد. باتمام این احوالات باید دید نگاه‌های تحلیل‌گران به آینده رسانه و کشگری‌های پیرامون ۱۸ دی ۱۴۰۴ چه خواهد بود؟

محمدجواد بادین فکر

در شرایطی که به‌دلیل قطعی یا اختلال اینترنت، رسانه‌ها امکان انجام روال معمول کاری خود را از دست می‌دهند، ناخواسته صداوسیما به رسانه مسلط تبدیل می‌شود و نوعی هژمونی رسانه‌ای شکل می‌گیرد. بادین فکر بحث خود را از همین نقطه آغاز می‌کند و تمرکزش را بر عملکرد صداوسیما در این دوره می‌گذارد. «بیشتر صحبت من درباره این است که صداوسیما در این مدت چه کار کرده. با اتفاقاتی که برای اینترنت افتاد، بیش از ۶۰ درصد مردم اخبار این روزها را از طریق صداوسیما پیگیری کردند. همین مسئله باعث شد صداوسیما به یک سلطه رسانه‌ای برسد. به همین دلیل، مهم‌ترین رسانه‌ای که باید نقد و بررسی شود، خود صداوسیماست.» او در ادامه در دو محور این موضوع را باز می‌کند و شما مشروح این صحبت‌ها را از نظر می‌گذارانید.

نابید روی خشونت مانور بد هیم

تکیه اصلی این کمپین رسانه‌ای بر هیجان ترس بوده، یعنی از جمعه به بعد، تقریباً تمام مستندها و گزارش‌های خبری بر نمایش ترس و خشونت متمرکز شدند. این حجم از نشان دادن ترس و تصاویر خشونت‌آمیز برای رسانه ملی قابل تأمل است. در روزهای ابتدایی در خیابان مردم به اندازه کافی خشونت دیدند، انتظار می‌رفت از صداوسیما که در روزهای بعدی روی خشونت مانور ندهد. این نوع پوشش رسانه‌ای می‌تواند تبعاتی داشته باشد. اولین نتیجه‌اش این است که یک خانواده ممکن است از ترس نیروهای تروریستی، جرن‌ت‌نکند پایش را بیرون از خانه بگذارد. برای مثال، مستندی مثل «داعش در شهر» چند بار از تلویزیون پخش شد؛ مستندی که به‌دلیل شدت خشونت، مخاطب با دیدنش آزار می‌بیند. پخش چنین محتوایی تبعات اجتماعی دارد؛ چون ممکن است اضطراب و نوعی

نگرانی برای جامعه ایجاد کند و این موضوع برای نهاد خانواده آسیب‌زاست. در شرایط فعلی، جامعه از یک طرف به دلیل وضعیت بد مالی، معترض و خشمگین است و از طرفی به‌واسطه به خشونت کشیده شدن اعتراض‌ها و ایجاد فضای رادیکال در خیابان‌ها دچار ترس و اضطراب شده است. سؤال این است که وقتی شرایط آرام‌شد، چه ایده رسانه‌ای برای این جامعه وجود دارد؟ جامعه‌ای که معترض و خشمگین بوده و این خشم با ترس مهار شده، ممکن است در ادامه به انزجار، فاصله‌گذاری اجتماعی، گسست و دوقطبی تبدیل شود.

بازنمایی خشونت باید مدیریت شود

بایروسی گفتمانی اعتراضات چند سال اخیر در ایران و نسبت آن با رسانه ملی، شاهد این روند هستیم که ابتدا اعتراضات با واژه‌هایی همچون اغتشاش و آشوب تعریف شدند و در نازآرامی‌های اخیر برای اولین بار با واژه «تروریسم» در رسانه مواجه شده‌ایم. البته می‌توان گفت اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، خشن‌ترین نوع اعتراضات در چندین سال اخیر بوده است. حضور عوامل تروریستی در آن غیرقابل انکار است. با این حال سؤال اساسی این است که چرا اعتراضات روزهای اول، تقریباً به حاشیه رفت و فقط بر عنصر رعب و تروریسم تأکید شده است. رسانه می‌توانست به همان چند روز اول که هنوز به خشونت کشیده نشده بودی برخی اقدامات دولت که در نتیجه اعتراضات مردم صورت گرفت را بازنمایی کند.

به نظر می‌رسد صداوسیما تأکید بسیار زیادی در بازنمایی خشونت داشته و این باعث شده است تا خشم جامعه معترض به یک ترس فراگیر تبدیل شود و در نتیجه این ترس، یک اضطراب جمعی در آینده خواهد

داشت. بعد از ۹۸، جامعه وارد یک خلسه سه‌ماهه شد و سه سال طول کشید تا به وضعیت اولیه برگردد. تقریباً هر سه سال یک بار، یک آشوب سنگین را پشت‌سر می‌گذاریم و بعد از هر کدام، پاسخ جامعه قهر و فاصله گرفتن است. بعد از این اتفاقات، احتمالاً فیلم‌های طنز در گیشه سینما پرفروش می‌شوند، چون جامعه می‌خواهد اضطرابش را از این طریق تخلیه کند. حالا سؤال این است؛ صداوسیما برای این وضعیت برنامه‌ای دارد؟ از نظر روان‌شناختی، صداوسیما بعد از ایجاد فضای رعب، ترس، خشم و انزجار، باید به فکر بهبود و ترمیم جامعه باشد. الان بسیاری از کسب‌وکارها و خانواده‌ها از وضعیت عادی خارج شده‌اند.

در صداوسیما می‌شد نشان داد که در روزهای ابتدایی، وقتی اعتراضات هنوز به خشونت کشیده نشده بود، اعتراضات مسالمت‌آمیز جواب داد؛ هم در مجلس و هم در دولت. مثلاً در موضوع مالیات‌ها و حقوق. چرا روی این بخش‌ها مانور داده نشد؟ مردم به این نتیجه می‌رسند که انگار جز از مسیر خشونت، صدای دیگری شنیده نمی‌شود. البته در واقعیت همچنین تجربه‌ای وجود داشته، چون تا قبل از آمدن مردم به خیابان، لویاح و بودجه سال بعد تغییری نکرده بود. اما نکته مهم این است که جامعه باید احساس کند شنیده شده و بازخورد اعتراضاتش را دریافت کرده است. من احساس می‌کنم اگر خط بیانات رهبری را صداوسیما می‌رفت درست‌ترین کار است. ایشان گفتند که یک عده‌ای اموال خود مردم را آسیب می‌زنند و هیچ‌کس با آن موافق نیست ولی مردم هم اعتراض دارند و باید بیان شود. این خط درستی است.

باید برای احساس بی‌دولتی چاره داشت

یکی از مشکلاتی که اکنون ما با آن مواجه هستیم و مسئله اصلی

است؛ احساس بی‌دولتی است. مردم و کسبه تا پیش از این اعتراضات همگی احساس بی‌پناهی می‌کردند. احساس می‌کردند که دولت دیگر قدرت و توانایی و امکان مهار و افسار زدن بر این شرایط را ندارد. این انگاره‌ای است که باعث احساس بی‌دولتی می‌شد. این فضای بی‌دولتی و این احساس بی‌قدرتی باید مدیریت شود. جزء اولین اقدام‌ها باید این باشد که به مردم این اطمینان‌خاطر داده نشود که کشور روال خودش را دارد طی می‌کند. می‌شد تا پیش از پنجشنبه که به خشونت کشیده شود، در قالب یک برنامه یک ساعته با حضور سران سه قوه در قاب صداوسیما برگزار شود. دو مجری و حتی خود مردم معترض هم بیایند در برنامه و سران توضیح بدهند هر کدام در حال انجام چه کاری هستند. مردم از عدم شفافیت بدشان می‌آید. ما نباید بترسییم از اینکه ضعف‌های خودمان را به مردم بگویم ولی در ازای آن برنامه‌مان هم برای رفعت بگویم. ما باید بازنمایی اعتراضات را انجام بدهیم. تا مردم ببینند که دارند دیده می‌شوند و واکنش نشان بدهند نسبت به آن معترض یا اصلاً جای معترضین صحبت کنند.

شاید عده‌ای بگویند این کار مصنوعی است، اما عرض بنده این است که احساس بی‌دولتی باید مقابلهش نوعی بازنمایی قدرت و کارآمدی انجام شود. باید به مردم اطمینان داده شود. صداوسیما می‌توانست این را پیگیری کند یا حتی پاسخ معترضین از طرف دولت را پررنگ کند. در نهایت، چیزی که من اولویت رسانه می‌دانم، کنترل و مدیریت این هیجانات منفی‌ای است که ایجاد شده. الان ما یک پنجره فرصت در ماه ششبان داریم و گروه‌های مذهبی می‌توانند شادی‌آفرینی کنند و بخشی از فضا تعدیل شود.

راهکار پیشنهادی

محمد مرندی در ادامه، با ارائه راهکاری رسانه‌ای، گفت: «پیشنهاد من این است که یک کنسر-سیموم با کشورهای حوزه شانگهای یا کشورهای عضو بریکس شکل بگیرد یا رسانه‌هایی جایگزین اینستاگرام، فیسبوک و توییتر ایجاد شود. در این معاهده می‌توان ذکر کرد که این کشورها از این ابزارها و اپ‌ها علیه یکدیگر استفاده نکنند. به نظر من، اگر ایران با این کشورها وارد ساخت چنین رسانه‌هایی شود، در میان‌مدت و بلندمدت، کشورهای غربی با محدودیت‌های بیشتری مواجه خواهند شد.»

تسلط «آواتار ۳» برآس گیشه سینماها خاتمه یافت

«۲۸ سوال بعد: معبد استخوان» ساخته نیا داکاستا بر تسلط ۴ هفته‌ای «آواتار: آتش و خاکستر» بر گیشه فروش خاتمه داد تا جایگاه اول را در فروش سینماهای آمریکا به دست آورد. «معبد استخوان» که ادامه‌ای بر «۲۸ سال بعد» سال پیش و چهارمین فیلم از مجموعه متمرکز بر زامبی‌هاست با اکران در ۳۵۰۶ سالن سینما تنها در روز جمعه ۵٫۶ میلیون دلار فروخت و انتظار می‌رود تا پایان این آخر هفته فروشش را به ۱۵ میلیون دلار برساند. فیلم قبلی این مجموعه یعنی «۲۸ سال بعد» ساخته دنی بویل که با هزینه ۶۰ میلیون دلاری ساخته شده بود، کارش را با فروش ۳۰ میلیون دلاری در اولین آخر هفته اکرانش شروع کرده بود و در نهایت ۷۰ میلیون دلار در آمریکا و ۱۵۰ میلیون دلار در سراسر جهان فروخت. این فیلم جدید که با بودجه ۶۳ میلیون دلاری بر مبنای فیلمنامه آلکس گارلند، ایده‌پرداز اصلی این مجموعه، ساخته شده، با بازی رالف فاینس، جک اوکانل و آلفی ویلیامز درباره یک ویروس خطرناک در بریتانیاست. این فیلم نقد‌های خوبی از منتقدان و تماشاگران دریافت کرده است. با اقبال از این فیلم، «آواتار: آتش و خاکستر» به مکان دوم رانده شد و پنجمین آخر هفته اکرانش را جمعه با فروش ۳٫۲ میلیون دلاری شروع کرد و انتظار می‌رود تا پایان امروز ۱۷ میلیون دلار به فروش قبلی خود بیفزاید. سومین فیلم جیمز کامرون از مجموعه «آواتار» تاکنون ۳۶۷ میلیون دلار در آمریکا فروخته و آن طور که انتظار می‌رفت از آن استقبال نشده است. ۲ فیلم قبلی تا ۷ هفته در رأس باکس آفیس داخلی آمریکا جای داشتند.